

ادامه از صفحه اول

قرارداد ایران و چین و نقض حق دسترسی به اطلاعات

...به‌ویژه آنکه معمولا در این نوع اسناد بین‌المللی ضمانت‌مهمتر از اصل قرارداد هستند و جزئیات در آنها می‌آید. آیا مردم نامحرم‌اند؟ آیا مردم نباید بدانند که دولت چه می‌کند؟ می‌توان پذیرفت که توافقی‌های امنیتی را می‌شود پنهان نگه داشت اما پنهانکاری در همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ اگرچه بالاخره تحت فشار افکار عمومی یکی از مقام‌های وزارت خارجه ایران نکاتی درباره این قرارداد اعلام کرده‌اند ولی این نکات آن‌قدر کلی‌اند که شبیه آن است که گویی روند کلی هر نوع قرارداد بین‌المللی را شرح داده باشد. چه چیز موجب پنهانکاری است؟ اگر توافقات ایران و چین شامل برخی همکاری‌های استراتژیک امنیتی است که پنهان‌ماندن آن ضروری است، اعلام کنید و بگویید چیزی است که به خاطر منافع و امنیت ملی نمی‌توان محتوای آن را افشا کرد؛ هرچند به حکم قانون اساسی این نوع قراردادها هم باید به تصویب مجلس برسند و امکان پنهانکاری در این موارد هم وجود ندارد. چه عامل موجهی برای پنهانکاری دولت باقی می‌ماند؟ اگر این همکاری، یک همکاری متداول میان دولت‌هاست، چرا باید دولت بر عدم انتشار اخبار آن اصرار بورزد؟ از نظر حقوقی، پنهان‌ماندن امور خاص امنیتی و نظامی پذیرفتنی است. اما پنهانکاری در آنچه به ثروت و حیات ملی مربوط است، چه در روابط داخلی و چه در روابط بین‌الملل، پذیرفتنی نیست. دولت موظف است اطلاعات مربوط به قرارداد همکاری ۲۵ ساله با چین را منتشر کند. حق حاکمیت از آن ماست (اصل ۵۶ قانون اساسی). اگر دولت به آنچه کرده است، اطمینان دارد و این قرارداد را افتخارآمیز و مفید ارزیابی می‌کند، آن را منتشر و از آن دفاع کند که اگر چنین باشد، با حمایت کارشناسان و مردم نیز روبرو خواهد شد. خودداری دولت از انتشار اطلاعات این قرارداد به‌عنوان نمونه‌ای دیگر از نقض حق دسترسی ملت به اطلاعات فقط این گمان را تقویت می‌کند که «در خلوت آن کار دیگری می‌کنند».

چرا به روحانی رأی دادیم؟

نظام اجرائی دارد، آیا این اجزای هماهنگ به‌سوی هدف مورد نظر خود کار کرده‌اند؟ آیا تأمین رفاه مردم ما در الویت این نظام بوده یا ارزش‌های دیگری مد نظر اجزای قدرت در نظام بوده است؟ آیا دسترسی به آن ارزش‌ها نباید مد نظر باشد؟ در هزینه و فایده اجتماعی باید به همه اهداف توجه کرد، نمی‌شود خواهان مبارزه با استکبار بود و بخواهیم سلطه جهانی را سر به‌زیر کنیم و هم‌زمان رشد اقتصادی بالا نیل داشته باشیم. چنین انتظاری، زمان خاص خود را می‌طلبد و همکاران جهانی کافی نیز نیاز دارد که البته باید تحلیل امکان‌سنجی شود. ۷. متأسفانه حرکت به سمت بعضی از اهداف، ما را در بعضی از امور مهم غافل کرده است. آمار بی‌کاری، بزهکاری و سایر افت‌ها که مقام معظم رهبری در سال ۹۳ در خراسان شمالی تقریبا در ۳۴ فقره مطرح کرده‌اند، جامعه ما را به اضمحلال می‌کشاند. بیم آن می‌رود، نزد اکثریت مردم، همه مشکلات ناشی از انقلاب اسلامی تلقی شود و نظام از مقبولیت و مشروعیت بیفتد. نگاهی به آمار انتخابات اخیر مثل مجلس خیرگان و مجلس شورای اسلامی سال ۹۸ می‌تواند در این‌باره کمک‌کننده باشد.

۸. چنان‌چه بجزرآن بیشتر و تاب مردم به سر آید، بعد نیست به‌طور قهری سراخ گزینه تغییر قانون اساسی بروند؛ بنابراین باید از بیش درصد درمان بود، نه سرکوب احتمالی، می‌دانیم با تیر و تفنگ نمی‌شود بر قلب‌ها حکومت کرد و این سبک از ارزش‌های انقلاب اسلامی نبوده است. ۹. راه‌حل تأثیرگذار در این میان، روی آوردن به انتخاب آزاد و به حق مردم است که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته است. حتی ما راه اعتراض‌ها را با وجود پذیرش قانون اساسی بسته‌ایم؛ در نتیجه نباید از به‌وجودآمدن اغتشاش‌های سنگین و قربانی‌گیر تعجب کرد. ۱۰. چرا پاسخ‌گویی را فقط از ناحیه بخشی از بدنه قدرت انتظار داریم؛ درحالی‌که قانون اساسی نظارت و پاسخ‌گویی را به همه تعمیم داده، همه را در برابر قانون برابر می‌داند و استئنا قائل نشده است. در تنظیم قانون اساسی رفتار حضرت علی‌علیه‌السلام در دادگاه و رای به طرف مقابل او از سوی قاضی معیار قرار داده شده است، اما در عمل، ما این مهم را نادیده گرفته‌ایم و انتظار مردم‌داری داریم؛ ۱۱. در تحلیل هر نظام، انعطاف‌پذیری و شکستن؛ کامل و بدون نقص‌بودن، بسیار حائز اهمیت است. اگر مقام صاحب قدرت خود ناظر و اصطلاحا کنترل‌کننده بر خود را انتخاب کند، آن‌که نهد نظارتی به مردم ذیل‌کانون قدرت مدیون باشد، آن نظام خواهد شکست. انحراف می‌تواند روی دهد و مسیر فساد باز می‌ماند. ۱۲. اگر دلسوز مردم و حاکمیت دینی و انقلابی هستیم، باید نظام را وفق قانون اساسی اداره کنیم. طبق آنچه برایش شهید داده‌ایم، نهادهای ام از دولت و مجلس و مانند اینها، واقعا از انتخاب مردم ساطع شده باشند و نهادهای نظارتی نیز به همین ترتیب و روبریاستی با کسی و چیزی نداشته باشند. در عمل باید نشان دهیم همان‌طورکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند، به حق‌الناس‌بودن رای مردم باور داریم. آن‌که تجربه خواهیم کرد که شفافیت و نظارت مردم و رسانه‌ها در خدمات‌سازنده‌ای از ایجاد و سلب خواهند داشت و نظام در مسیر مطلوب حرکت خواهد کرد. جدایی حاکمیت از مردم، نظام را به مخاطره می‌اندازد. حفظ اصول جمهوری با اسلامیت برای ما ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

لایا مرگن: طبق قانون، جنگل‌ها وقف‌پذیر نیستند اما در شمال ایران محدوده‌ای جنگلی به نام آق‌مشهد وجود دارد که یک شخص حقیقی آن را وقف کرده است. بیش از دو دهه است که سازمان جنگل‌ها درگیر اثبات این نکته است که جنگل وقف‌پذیر نیست و شنیده‌ها حاکی است، مالک خصوصی این روزها دنبال استفاده از درختان شکسته و افتاده آق‌مشهد است. در گفت‌وگو با مسعود منصور معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری درباره این جنگل موقوفه‌ها کردیم. به بند منصور جنگل وقف‌پذیر نیست به همین خاطر نفاهم‌نامه‌ای به امضا رسیده که مشکل موقوفه‌ها حل شود اما از آنجا که آق‌مشهد واقف خصوصی دارد، شش‌مool توافق‌نامه امضاشده بین سازمان جنگل‌ها و اوقاف نمی‌شود. منصور از اوقاف درخواست می‌کند که واقف خصوصی را متقاعد کند که مشکل آق‌مشهد را در چارچوب موقت‌نامه تدوین‌شده حل کند. گفت‌وگو با مسعود منصور رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در سه محور تصرفات اراضی ملی، طرح توقف بهره‌برداری تجاری از جنگل‌های شمال و آتش‌سوزی عرصه‌های طبیعی، انجام شد که در ادامه می‌خوانیم.

آیا جنگل‌های آق‌مشهد به اوقاف واگذار شده است؟ شنیده‌ها حاکی است اوقاف تلاش می‌کند از جنگلی که وقف‌پذیر نیست بهره‌برداری کند. در این رابطه توضیح می‌دهید؟

ابتدا قواعد کلی را می‌گویم تا به مصداق آق‌مشهد برسیم. برخی اراضی ملی ضمن اینکه سابقه اجرای قانون را به‌عنوان ملی‌شدن دارند، یک سابقه وقفیت هم دارند. برای حل این تعارض دو روش متصور هستیم. اولین راه طرح دعوا از طریق طرفین در مراکز و مراجع قضائی است. دو دهه با این روش اقدام کردیم و یک میلیون و ۳۰۰ هزار از اراضی که مشمول این دو قاعده بودند، در دعواهای قضائی و اداری مانده بود و کمتر منجر به نتیجه بود. در این اراضی به دلیل اینکه هیچ کدام از دو سازمان نمی‌توانستیم سند رسمی برای تثبیت بگیریم، جولانگاه سوءاستفاده‌گران شده بود. ولی ما با اوقاف یک تفاوتی داشتیم. اوقاف به استناد همان سند رسمی برای این اراضی اجازه می‌بست و ما وقتی علیه کسی که از این عرصه‌ها استفاده نمی‌کرد طرح دعوا می‌کردیم، فرد به استناد اجازه‌نامه برائت می‌گرفت. در تبصره شش قانون الحاق اوقاف یک قیدی گذاشته شده است که جنگل‌ها و مراتع وقف‌پذیر نیستند مگر آن‌که قبل از ۱۶ اسفند ۶۵ احیا شده باشند.

با منظور از احیا کشت‌وکار است؟

بله، منظور این است که در حالت جنگلی و مرعی خارج شده باشد. کشت‌وکار، استخدام یا هر بهره‌برداری دیگری را شامل می‌شود. نتیجه این تبصره این بود که سازمان جنگل‌ها با استناد به این قانون، به اوقاف پیشنهاد داد که روش اجرا نوشته شود تا دعواها در این چارچوب حل‌وفصل شوند این پیشنهاد منجر به نوشتن یک توافق‌نامه شد. بعدا با نظر سازمان بازرسی همین توافق به این‌نامه دولت تبدیل شد. در این توافق گفته شد با وجود اینکه قید قانون جنگل‌ها و مراتع را پوشش داده است، ولی به هیچ وجه درخواست روی جنگل‌ها را بررسی نمی‌کنیم و همیشه جنگل در مالکیت منابع طبیعی می‌ماند ولو اینکه سابقه وقفیت هم داشته باشد. این یک اقدام اساسی بود که انجام شد. دومین مسئله این بود که نهالستان، یک تالید بذر، جنگل دست‌کاشت و بیابانی و جاهایی که طرح منابع طبیعی اجرا می‌شود از این قاعده مستثنا و در سهم منابع طبیعی قرار گیرند. اگر جایی پیش‌بینی طرح هم‌شده است که ما نیاز داریم، اگر مشمول بند مرتبط با ۱۶، اسفند ۶۵ هم باشد، چون سازمان جنگل‌ها این عرصه را نیاز دارد باید در اختیارش باقی بماند و معادل آن را در اوقاف تأمین نیاز ندارد. به اوقاف بدهد. پس ملاحظه می‌کنید که واقعا آیین‌نامه که پیش‌زمینه‌اش توافق‌نامه بود، تمام مسائل منابع طبیعی را پیش‌بینی کرد. نتیجه اجرای این توافق‌نامه این بود که از یک‌میلیون و ۳۸۰ هزار هکتاری که درباره آن اختلاف وجود داشت، حدود یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار هکتار با این قاعده تعیین تکلیف شد. حدود ۸۰۰ هزار هکتار از آن مشمول تبصره شش نشد و منجر به اخذ سند منابع طبیعی شد. تنها ۳۰۰ هزار هکتار مشمول تبصره شش شد. به نظر من بسیاری از دعاوی قضائی که واقعا منجر به نتایج درستی نمی‌شد با این آیین‌نامه حل شد. جنگل آق‌مشهد گزینه‌ای است که برجسته شده است. در دعواهای بین ما و اوقاف تا قبل از توافق گاهی نهالستان‌هایی داریم که قاضی رای به نفع اوقاف داده است، در حالی که در این توافق برگشت. باید بگویم موقوفات دو دسته هستند. موقوفات عام که متولی سازمان اوقاف است و همه موقوفات عام با این توافق‌نامه حل مشکلشان حل شد. موقوفات خاص که در اختیار سازمان اوقاف به‌عنوان تصمیم‌گیرنده نیست و متولی خاص دارد. در آیین‌نامه پیش‌بینی کردیم که در صورت رضایت واقف با این آیین‌نامه تعیین تکلیف شود.

آق‌مشهد چه اتفاقی افتاد؟

آق‌مشهد از آن مواردی است که موقوفه خاص است. بنابراین ما الزاما و اجبارا نمی‌توانستیم با مدل توافق‌نامه مشکل آن را حل کنیم اما از ظرفیت مالکیت کمک گرفتیم و گفتیم متولی را متقاعد کند با این شیوه مشکل را حل کنیم. اوقاف با ما همراهی کرد. جلسات زیادی در قالب کارگروه آیین‌نامه گذاشته شد و در تاریخ ۲۷ شهریور ۹۵ موضوع آق‌مشهد بررسی شد. نتیجه این توافق این بود که بخشی از عرصه که جنگل است، برای سازمان جنگل‌ها می‌ماند و صرفا بخشی‌های مستثنیات و غیرجنگلی باقی می‌مانند. تمام افرادی که در آیین‌نامه

اقتصاد

معاون وزیر جهاد کشاورزی از آخرین وضعیت برخی تصرفات قانونی، حریق و طرح تنفس سخن گفت

سکوت اوقاف در پرونده «آق مشهد»



جزء ترکیب تصمیم‌گیری هستند مثل معاون اوقاف ... صورتجلسه را امضا کردند اما متأسفانه متولی موقوفه از امضای این توافق با یک بی‌نوشت طولانی امتناع کرد و حاضر به امضا نشد. در حال حاضر نظر سازمان اوقاف و سازمان جنگل‌ها این است که رای صادرشده از سوی دادگاه راه‌حل مشکل نیست و کمالاتوافق‌نامه ظرفیت بهتری را برای این موضوع پیش‌بینی کرده بود که مستلزم همراهی صاحب موقوفه است.

آق‌مورد جنگل‌های آق‌مشهد در دادگاه چه رایی صادر شده است؟

ما در این منطقه آق‌مشهد پنج‌هزارو ۱۰۰ هکتار اراضی ملی تشکیص دادیم، ۴۷۰ هکتار به عنوان غیرملی شناسایی شد. در سال ۸۲ از ناحیه اوقاف به ملی‌شدن پنج‌هزارو ۱۰۰ هکتار اعتراض می‌شود. در سال ۸۲ اعتراض رد می‌شود و رای بر ملی‌بودن عرصه صادر می‌شود. به این رای مجدداً از ناحیه اوقاف اعتراض می‌شود، دادگاه تجدید نظر برگزار و اعتراض اوقاف رد می‌شود و رای بر ملی‌بودن عرصه صادر می‌شود. مجدداً اوقاف اعتراض می‌کند و پرونده را به دیوان عالی کشور می‌فرستد. دیوان‌عالی به دلیل نقص در تحقیقات مجدداً پرونده را به شعبه ۱۱ ارجاع می‌دهد. متأسفانه این شعبه با وجود رای بدوی و تجدید نظر رای می‌دهد که کل عرصه موقوفه است. ما به رای دیوان اعلام فرجام‌خواهی کردیم، مرجع رسیدگی به فرجام‌خواهی دیوان‌عالی کشور است اما متأسفانه شعبه سه دیوان‌عالی کشور فرجام‌خواهی ما رد می‌کند. همه این مسیر قبل از توافق ما با اوقاف طی شد. بعد از این تلاش کردیم توافق‌نامه را اجرائی کنیم که توضیحاتش را قبلا

دادم اما چون آق‌مشهد موقوفه خاص است، صاحب آن با تصمیم گرفته‌شده موافقت نکرد. ما به مراجع متعددی درختان را منعکس کردیم، حتی در زمان رئیس وقت قوه قضائیه در یک همایشی که او حضور داشت این موضوع تشریح شد و او هم متعجب شد که چگونه این رای صادر شده و جنگل از حالت ملی خارج شده است. ما بر این اساس آمدم از طریق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، تقاضای اعاده دادرسی نسبت به رای قبلی کردیم. البته در زمان ریاست قبلی قوه قضائیه این اقدام انجام شد. تاکنون دادخواست اعاده دادرسی ما پذیرفته نشده است. از دو مسیر برای اعاده دادرسی رفتم. هم سازمان اقدام کرد و هم اسان از طریق رئیس کل دادگستری استان مازندران اقدام کرد و است این دو مسیر می‌توان درخواست ماده ۲۲۷ کرد.

آق‌مورد حاضر نمی‌شود موقوفه رسیدگی می‌شود؟

درخواست‌های ما برای رئیس قوه قضائیه ارسال شد و بعد به معاونت قضائی فرستاده شد تا ببینند مشمول ماده ۲۲۷ خواهد بود یا نه. از دوره ریاست قبلی تاکنون نتیجه پذیرفته‌شدن اعلام نشده است. در این دوره مجدداً پیگیر درخواست‌هایم شدیم. هم تقاضا می‌کنیم و هم مطمئنم با رویکرد دقیقی که رئیس محترم قوه قضائیه دارند و حساسیتی که نسبت به مسائل منابع طبیعی دارند، درخواست ما پذیرفته شود و البته خواهشمان این است. از دوستان سازمان اوقاف خواهش می‌کنیم که همه تلاش خود را بکنند و متولی را متقاعد کنند که در مسیر آیین‌نامه این موضوع تعیین تکلیف شود.

آق‌مورد از حال حاضر می‌شود موقوفه قصد دارد که از درختان شکسته و افتاده جنگل برداشت کند و بهره‌برداری‌های اینجیننی داشته باشد؟

بحث‌های مطرح‌شده تا کنون درخصوص این بود که جنگل ملی هست یا نه و در مالکیت کیست. ولی حتی اگر فرض بگیریم این جنگل ملی نباشد، بهره‌برداری چوب و درختان را نمی‌تواند بدون موافقت و طرح سازمان باشد و حتی نمی‌تواند مغایر با قوانین بالادستی کشور باشد. بحث‌های قبلی همه در این رابطه بود که جنگلی که سبف چندین هزارساله دارد، اساسا وقف‌پذیر نیست.

آق‌سازمان اوقاف چگونه عرصه‌ای که وقف‌پذیر نیست را به‌عنوان موقوفه پذیرفته است و در زیرمجموعه خود لحاظ کرده است؟

این مسئله به این باز می‌گردد که در محدوده آق‌مشهد، کلی مستثنیات، دامسرا و فضاهای غیرجنگلی هم وجود دارد. ما می‌گوییم اراضی غیرجنگلی می‌توانستند وقف شوند. ضمن اینکه قبل از قانون ملی‌شدن جنگل‌ها، این اکوسیستم هم قابلیت مالکیت خصوصی داشت. ممکن بود کسی آن را وقف کند. لذا ممکن است کسی قبل از قانون ملی‌شدن، مالک جنگل بوده و آن را وقف کرده است. بحث ما این است که بعدا قانون عوض شده است. جنگل ملی شده و قانون بعدی هم گفته است که جنگل و مرتع را اگر کسی وقف کرده است، در چه صورتی وقف می‌ماند و در چه صورتی وقف نمی‌شود. ما می‌گوییم جنگل آق‌مشهد این

آق‌رابطه با تعیین تکلیف تصرفات اشخاص حقوقی موفقیت هم داشته‌اید؟

معتقدم بسیاری از مسائل را در این حوزه توانستیم روشن کنیم اما آن بخش از دعوا که ناظر بر اشخاص حقیقی است، مسیر پیچیده‌ای دارد. عموماً در کمسیون‌های اختلافی ماده واحد طرح دعوا می‌کردند، بعد قانون، شعب ویژه‌ای را تعیین می‌کرد که به این دعای رسیدگی کند. بعد به‌صورت تجمیعی و پلاکی ماده ۵۴ رفع موانع تولید مسیر را مشخص کرده است. آن بخش از دعاوی حقوقی که ناظر بر ادعای مالکیت است در این سه مسیر تعیین تکلیف می‌شود. فراوانی این دعاوی هم از نظر تعداد زیاد است. در واقع مسیر تعیین تکلیف مالکیت اشخاص حقیقی مسیر ثابتی ندارد و بستگی به تشخیص کمسیون و قاضی دارد.

آق‌مورد طرح تنفس قرار بود یک طرح جایگزین تهیه شود. سال گذشته هم بحث مجوز برداشت از درختان شکسته و افتاده مطرح شد. می‌خواهم بدانم کار مجوزی که پارسال برای برداشت درختان شکسته و افتاده بدون داشتن طرح جایگزین صادر شد، به کجا کشید؟

طرح توقف بهره‌برداری چوبی از جنگل‌های هیرکانی که موسوم به تنفس است، اولاً یک ضرورت منطقی در موضوع مطرح شد. ثانیاً برای ما که مجری قانون هستیم به قانون تبدیل شده و ما موظفیم قانون را اجرا کنیم. ثالثاً هم وزیر قبلی جهاد و هم وزیر فعلی، اجرای این طرح را به‌عنوان قزم‌زشان معرفی کرده‌اند، بنابراین سازمان ما به شدت معتقد است که در اجرای قانون و سیاست‌های وزارتخانه باید این طرح با قدرت پیگیری شود. وقتی قانون تصویب می‌شود، می‌گوید که تا سه سال اول برنامه مجاز هستیم بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده یا خشکیده سریا انجام دهیم. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب طرح‌های جایگزین بهره‌برداری کرد و در این قانون موضوع برداشت از درختان سالم اصلا مطرح نیست. در این سه سال می‌شد از درختان خشکیده و شکسته و ... استفاده کرد. ولی در این سه سال بهره‌برداری رسمی از این درختان نشد. بعد از سه سال، قانون اجازه داده است از درختان شکسته و افتاده صرفاً در قالب